

From mourning to social activism: The multifaceted functions of women's delegations in Yazd

Mohammad Hassan Zareian Baghdadabadi ¹

Received: 17 February 2025

Majid Kashani (Corresponding Author)²

Reception: 9 April 2026

Amir Masoud Amir Mazaheri ³

Abstract:

This study aims to identify and analyze the social functions of women's religious assemblies (hay'ats) in Yazd, Iran. A qualitative approach was employed using inductive content analysis. The study population consisted of women active in female-centered religious assemblies in Yazd. A sample of ٢٢ women was selected through purposive sampling with a maximum variation strategy. Data were collected via semi-structured interviews and analyzed in five stages. The findings revealed five main functions: cultural-educational (Qur'an classes, sewing, religious rulings), charitable-supportive (aid to the needy, dowries, prisoner release), counseling-empowerment (resolving family issues, entrepreneurship), social-service-recreational (pilgrimage trips, interest-free loan funds), and political (participation in rallies, elections, supporting the frontlines). These findings are interpreted through three theoretical frameworks: functionalism (as manifest and latent functions), social capital (as networks of trust and cooperation), and religious civil society (as intermediary institutions independent of the state). The conclusion is that women's religious assemblies in Yazd have transformed into multifunctional social institutions addressing the diverse cultural, economic, psychological, social, and political needs of women.

Keywords: Women's religious assemblies (hay'ats), Social functions, Yazd, Functionalism, Social capital, Religious civil society

¹Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

²Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

³Department of Social Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran,

<http://doi.org/10.30510/pscci.2026.592212.1433>

از عزاداری تا کنشگری اجتماعی: کارکردهای چندوجهی هیئت‌های زنانه در یزد

محمد حسن زارعیان بغداد آبادی^۱

مجید کاشانی (نویسنده مسئول)^۲

امیر مسعود امیر مظاهری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۹

چکیده

هدف این مقاله، شناسایی و تحلیل کارکردهای اجتماعی هیئت‌های مذهبی زنان در یزد است. پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای استقرایی انجام شد. جامعه مورد مطالعه شامل زنان فعال در هیئت‌های مذهبی زنانه شهر یزد بود و نمونه پژوهش شامل ۳۲ نفر از این زنان بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند و با راهبرد حداکثر تنوع انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری و در پنج مرحله تحلیل شد. یافته‌ها پنج کارکرد اصلی را نشان داد: فرهنگی-آموزشی (کلاس‌های قرآن، خیاطی، احکام)، خیریه-حمایتی (کمک به نیازمندان، جهیزیه، آزادی زندانیان)، مشاوره-توانمندسازی (حل مشکلات خانوادگی، کارآفرینی)، اجتماعی-خدماتی-تفریحی (سفرهای زیارتی، صندوق قرض‌الحسنه) و سیاسی (حضور در راهپیمایی‌ها، انتخابات، حمایت از جبهه). این یافته‌ها در چارچوب سه نظریه تفسیر شده است: کارکردگرایی (به عنوان کارکردهای آشکار و پنهان)، سرمایه اجتماعی (به عنوان شبکه‌های اعتماد و همکاری) و جامعه مدنی مذهبی (به عنوان نهادهای واسطه مستقل از دولت). نتیجه اینکه هیئت‌های مذهبی زنان در یزد به نهادهای اجتماعی چندکارکردی تبدیل شده‌اند که نیازهای متنوع فرهنگی، اقتصادی، روانی، اجتماعی و سیاسی زنان را پاسخ می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: هیئت‌های مذهبی زنانه، کارکردهای اجتماعی، یزد، کارکردگرایی، سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی مذهبی

^۱گروه، علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

^۲گروه، علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

^۳گروه، علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

هیئت‌های مذهبی در ایران، فراتر از کارکرد صرفاً مذهبی، همواره به عنوان کانون‌های مهم اجتماعی و فرهنگی عمل کرده‌اند (فیاض و همکاران، ۱۳۸۹). این تشکلهای که ریشه‌های عمیق در تاریخ تشیع دارند، بر محور عشق به ائمه اطهار (ع) شکل گرفته و توسط مردم اداره می‌شوند. یکی از ویژگی‌های بارز این هیئت‌ها، تأمین هزینه‌های آن‌ها به صورت مردمی و بدون وابستگی به دستگاه‌های دولتی است. این ماهیت مردمی و خودگردان، به هیئت‌ها درجه بالایی از استقلال و ارتباط مستقیم با نیازهای جامعه محلی را می‌بخشد. این خودگردانی، حس تعلق و مسئولیت‌پذیری را در میان اعضا، به ویژه زنان، تقویت کرده و به ابتکار عمل و توسعه طرح‌های اجتماعی متنوع منجر می‌شود.

در این میان، نقش زنان در هیئت‌های مذهبی به طور فزاینده‌ای اهمیت یافته است (کاهیرده و دماوندی، ۱۴۰۲؛ کرمی قهی و همکاران، ۱۴۰۰). پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که فعالیت بانوان در هیئت‌های مذهبی برکات فرهنگی و اجتماعی قابل توجهی به همراه داشته و این تشکلهای پتانسیل تحول‌آفرینی بالایی در جامعه دارند. حضور زنان در هیئت‌ها، شبکه‌های اجتماعی موجود را به اهرم‌هایی قدرتمند برای انتشار اطلاعات، بسیج منابع و هماهنگی فعالیت‌ها تبدیل می‌کند. جنبه‌های عاطفی و ارتباطی که اغلب در گردهمایی‌های زنانه پررنگ‌تر است، به ایجاد پیوندهای قوی‌تر و تعهد بالاتر کمک کرده و تأثیر جمعی آن‌ها را دوچندان می‌سازد.

استان یزد با سابقه دیرینه مذهبی و فرهنگی، به عنوان حسینیّه ایران شناخته می‌شود و دارای زیرساخت غنی از هیئت‌ها و حسینیّه‌هاست (مرشدی و همکاران، ۱۴۰۰). این هویت مذهبی و اجتماعی عمیق، بستر مناسبی را برای شکوفایی و گسترش کارکردهای اجتماعی هیئت‌های بانوان فراهم آورده است. در چنین محیطی، فعالیت‌های اجتماعی که توسط هیئت‌ها، به ویژه هیئت‌های زنانه که اغلب محلی‌تر و جامعه‌محورتر هستند، آغاز می‌شوند، با استقبال و حمایت بیشتری از سوی مردم مواجه می‌گردند.

بیان مسئله

پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که کارکردها و همچنین اعمال و مناسک در هیئت‌های زنانه و مردانه با یکدیگر تفاوت دارد (محسنی، ۱۳۸۲). از سوی دیگر، وقوع انقلاب اسلامی را باید آغاز تحولی نگرشی و سبک زندگی در میان توده مردم دانست؛ تحولی که فهم آنان از عناصر اصلی مناسک دینی و عزاداری را متحول ساخت و خود این مناسک را با تغییرات

محتوایی و صوری بسیاری مواجه نمود. به گونه‌ای که از اواخر دهه ۱۳۷۰، اشکال جدید هیئت‌های دینی و مداحی گسترش یافتند که ساختار و عناصر هویتی آنها با انواع سنتی تفاوت بسیار داشت (فیاض و همکاران، ۱۳۸۹؛ دستوری، ۱۳۸۹).

حضور در فضای مناسکی، عامل مهم جامعه‌پذیری زنان است و هیئت‌ها از جمله پایدارترین مکان‌هایی هستند که این فضا را ایجاد می‌کنند (کاهیرده و دماوندی، ۱۴۰۲). بررسی تحولات عاملیت زنان در هیئت‌های مذهبی از سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی تاکنون نشان می‌دهد که طی آن سال‌ها، مساجد، حسینیه‌ها و هیئت‌ها که به کانون‌های تغذیه و هدایت فکری انقلابیون تبدیل شده بودند، از شرایط مناسب برای فعالیت مستقیم زنان برخوردار نبودند و آن‌ها از طریق مردان خانواده به صورت غیرمستقیم از فعالیت‌های انقلابی مطلع می‌شدند. اما با شدت یافتن جریان انقلاب، زنان نیز به عنوان عاملانی تأثیرگذار وارد صحنه مبارزات شدند و هیئت‌های انقلابی-سیاسی به یکی از مهمترین کانون‌های جذب زنان بدل گشت. جنگ تحمیلی نیز مقطعی مهم برای ظهور عاملیت قدرتمند زنان در هیئت‌ها بود و آن‌ها در کنار جمع‌آوری کمک‌های مردمی، تقویت‌کنندگان ایدئولوژی انقلابی و انگیزه مقاومت در پشت جبهه بودند. در دهه هفتاد، طیفی از نواندیشان دینی، عاملان مهم تغییر و تحول در فضای مناسکی بودند که به تشکیل هیئت‌های زنانه جدید غیرسنتی در شهرهای بزرگ انجامید (کاهیرده و دماوندی، ۱۴۰۲).

اگرچه پژوهش‌هایی مانند مرشدی و همکاران (۱۴۰۰) به گونه‌شناسی هیئت‌های یزد پرداخته‌اند و مشعلچی و مرشدی (۱۴۰۰) نقش آن‌ها را در تقویت جامعه مدنی بررسی کرده‌اند، اما کارکردهای عینی و عملیاتی هیئت‌های مذهبی زنان در بافت محلی یزد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. استان یزد با ویژگی‌های خاص فرهنگی-مذهبی خود، می‌تواند موردی متفاوت از کلانشهرهایی مانند تهران یا مشهد باشد که پژوهش‌های پیشین عمدتاً در آنها انجام شده است (سلیمانی و امیرپور، ۱۳۹۷؛ کرمی قهی و همکاران، ۱۴۰۰).

پژوهش حاضر برای تحلیل کارکردهای هیئت‌های مذهبی زنان در یزد، از سه چارچوب نظری بهره می‌برد: کارکردگرایی برای شناسایی کارکردهای آشکار و پنهان هیئت‌ها (با الهام از دورکیم و مرتن)، سرمایه اجتماعی برای تحلیل شبکه‌های اعتماد و همکاری و تبدیل آنها به منابع مادی و غیرمادی (با الهام از پاتنام و بوردیو)، و جامعه مدنی مذهبی برای تحلیل جایگاه هیئت‌ها به عنوان نهادهای واسطه مستقل از دولت که در عین حال در چارچوب ارزش‌های دینی عمل می‌کنند (مشعلچی و مرشدی، ۱۴۰۰). بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که زنان در هیئت‌های مذهبی یزد چه کارکردهای

اجتماعی عینی را تجربه می‌کنند، این کارکردها از منظر کارکردگرایی، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی مذهبی چگونه قابل تفسیر هستند، و تا چه میزان با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسانی یا تفاوت دارد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

ضرورت انجام این پژوهش از چند جهت قابل توجیه است. نخست آنکه پژوهش‌های پیشین در زمینه هیئت‌های مذهبی زنان عمدتاً بر ابعاد هویتی و انگیزشی متمرکز بوده‌اند (کرمی قهی و همکاران، ۱۴۰۰؛ صبوریان و وطن‌دوست واله، ۱۴۰۳) و کارکردهای عینی و عملیاتی این هیئت‌ها در حوزه‌های خدماتی، خیریه، مشاوره و توانمندسازی کمتر به صورت نظام‌مند بررسی شده است، از این رو پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا این خلأ نظری را پر کند. دوم آنکه در حالی که پژوهش کرمی قهی و همکاران (۱۴۰۰) در تهران انجام شده، استان یزد با سابقه دیرینه مذهبی-فرهنگی و شناخته شدن به عنوان حسینیه ایران، بستری متفاوت از کلانشهر تهران دارد و بررسی این پدیده در بافت مذهبی-سنتی‌تری مانند یزد می‌تواند به درک عمیق‌تری از تفاوت‌های منطقه‌ای و فرهنگی منجر شود. سوم آنکه با توجه به تحولات اخیر پیرامون عاملیت زنان در هیئت‌های مذهبی و آنچه کاهپرده و دماوندی (۱۴۰۲) از پررنگ‌تر شدن عاملیت زنان در واکنش به جنبش‌های اخیر گزارش کرده‌اند، مستندسازی وضعیت موجود هیئت‌های بانوان در شهرهایی مانند یزد که کمتر مورد توجه رسانه‌های ملی هستند، از ضرورت مضاعفی برخوردار است. چهارم آنکه صبوریان و وطن‌دوست واله (۱۴۰۳) نشان داده‌اند که انگیزه‌های حضور در هیئت‌ها در میان نسل‌های مختلف زنان تفاوت معناداری دارد و استان یزد با داشتن هیئت‌هایی با قدمت چندین دهه، بستر مناسبی برای بررسی این تفاوت‌های نسلی در یک بافت مذهبی-سنتی فراهم می‌آورد. پنجم آنکه یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی در استان یزد و سایر مناطق مشابه مورد استفاده قرار گیرد و از این جهت نیز دارای اهمیت کاربردی است. به این ترتیب، پژوهش حاضر از حیث نظری (پر کردن خلأ مطالعات کارکردهای عینی و معرفی چارچوب ترکیبی کارکردگرایی، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی مذهبی)، روش‌شناختی (بررسی بافت بومی و متفاوت یزد)، زمانی (مستندسازی تحولات معاصر عاملیت زنان) و کاربردی (ارائه پیشنهادی سیاستی) دارای ضرورت و اهمیت است.

هدف اصلی این مقاله، شناسایی و دسته‌بندی کارکردهای عینی هیئت‌های مذهبی زنان در یزد در پنج حوزه فرهنگی-آموزشی، خیریه-حمایتی، مشاوره-توانمندسازی، اجتماعی-خدماتی-تفریحی و سیاسی است. اهداف فرعی عبارتند از: شناسایی انگیزه‌های اصلی زنان برای شرکت در هیئت‌های مذهبی یزد، بررسی تحولات عاملیت زنان در هیئت‌های یزد در مقایسه با تحولات کشوری، و ارائه پیشنهادها کاربردی برای تقویت کارکردهای اجتماعی هیئت‌های بانوان.

پیشینه تحقیق

مرور نظام‌مند پژوهش‌های پیشین در حوزه هیئت‌های مذهبی زنان، به منظور شناسایی دستاوردها و خلأهای نظری این حوزه ضروری به نظر می‌رسد.

صبوریان و وطن‌دوست واله (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تطبیقی ادراک و انگیزه بانوان نسل‌های مختلف از حضور در هیئت‌ها» نشان دادند که انگیزه‌های فردی همچون حب اهل بیت، افزایش آگاهی و معرفت، حال خوب و تربیت فرزند، پرتکرارترین دلایل حضور بانوان در هیئت‌ها هستند. هر نسل انگیزه‌های متفاوتی دارد: نسل دهه ۳۰ با تأکید بر آگاهی‌افزایی، نسل دهه ۴۰ با توجه به آرامش روانی، نسل دهه ۵۰ با رویکرد فردگرایانه و تربیت فرزند، نسل دهه ۷۰ با تمرکز بر روابط اجتماعی و شور جمعی، و نسل دهه ۸۰ با نگاه انتقادی و شورمحور.

کاهیرده و دماوندی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «نگاهی جامعه‌شناختی به تحولات پیرامون عاملیت زنان در هیئت‌های مذهبی از آستانه انقلاب اسلامی تاکنون» نشان دادند که حضور در فضای مناسبی عامل مهم جامعه‌پذیری زنان است. یافته‌های آن پژوهش نشان می‌دهد که طی سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، مساجد و هیئت‌ها از شرایط مناسب برای فعالیت مستقیم زنان برخوردار نبودند، اما با شدت یافتن جریان انقلاب و به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی، عاملیت قدرتمند زنان در هیئت‌ها ظهور کرد.

مرشدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی هیئت‌های مذهبی معاصر در شهر یزد» به این نتیجه رسیدند که هیئت‌های یزدی را می‌توان در سه گونه «بازاندیش»، «هویت‌اندیش» و «مکتب‌اندیش» دسته‌بندی کرد. مشعلچی و مرشدی (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی نقش هیئت‌های مذهبی در تقویت جامعه مدنی» نشان دادند که هیئت‌های مذهبی به عنوان «نهادهای واسطه» عمل می‌کنند و هر یک از گونه‌های سه‌گانه نسبت متفاوتی با جامعه مدنی دارند.

کرمی قهی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تعارضات و همسویی‌ها در ساخت مجالس مذهبی زنانه شهر تهران» با استفاده از رویکرد پدیدارشناختی، دو مقوله اصلی «هویت‌یابی جنسیتی» و «مقام‌یابی اجتماعی» را در مجالس مذهبی زنانه شناسایی کردند. نتایج آن پژوهش نشان داد که عنصر هویت‌یابی جنسیتی با تعارض بیشتر و همسویی کمتر همراه است.

سلیمانی و امیرپور (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی رویکرد جامعه‌شناختی تأثیر شرکت زنان در هیئت‌های مذهبی بر سبک زندگی آنها» نشان دادند که مهم‌ترین انگیزه زنان شرکت‌کننده در هیئت‌های مذهبی عبارت است از: میل به رشد و پیشرفت، همبستگی جمعی و مشارکت اجتماعی، و گذران اوقات فراغت. همچنین کارکردهای شرکت در هیئت‌ها بر سبک زندگی آنان شامل کاهش پرخاشگری و اضطراب، احساس آرامش درونی، افزایش اعتماد به نفس، کاهش تنش‌های خانوادگی بود.

فیاض و همکاران (۱۳۸۹) و دستوری (۱۳۸۹) به تحولات ساختاری هیئت‌های مذهبی پس از انقلاب اشاره کرده‌اند و نشان داده‌اند که از اواخر دهه ۱۳۷۰، اشکال جدید هیئت‌های دینی با ساختار و عناصر هویتی متفاوت از انواع سنتی گسترش یافتند.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تاکنون مطالعات ارزشمندی در حوزه هیئت‌های مذهبی زنان انجام شده است. با این حال، بیشتر این پژوهش‌ها یا در کلانشهر تهران صورت گرفته‌اند (کرمی قهی و همکاران، ۱۴۰۰؛ فیاض و همکاران، ۱۳۸۹) یا در شهر مشهد (سلیمانی و امیرپور، ۱۳۹۷) و یا به تحلیل تاریخی و اسنادی پرداخته‌اند (کاهپرده و دماوندی، ۱۴۰۲؛ دستوری، ۱۳۸۹). همچنین، پژوهش صبوریان و وطن‌دوست واله (۱۴۰۳) عمدتاً بر انگیزه‌های نسلی متمرکز بوده است. اگرچه مرشدی و همکاران (۱۴۰۰) به گونه‌شناسی هیئت‌های یزد پرداخته‌اند، اما کارکردهای عینی و عملیاتی هیئت‌های مذهبی زنان در بافت محلی یزد کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

آنچه در این میان مغفول مانده است، بررسی میدانی و عمیق کارکردهای عینی و عملیاتی هیئت‌های مذهبی زنان در بافت فرهنگی-مذهبی خاصی مانند یزد است. همچنین، هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین، کارکردهای هیئت‌های زنان را در پنج حوزه مشخص (فرهنگی-آموزشی، خیریه-حمایتی، مشاوره-توانمندسازی، اجتماعی-خدماتی-تفریحی و سیاسی) به صورت نظام‌مند دسته‌بندی و تحلیل نکرده‌اند.

افزون بر خلأ محتوایی فوق، پژوهش حاضر از نظر نظری نیز دارای نوآوری است. بررسی پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین عمدتاً از نظریه‌های خرد و تخصصی یا رویکردهای پدیدارشناختی استفاده کرده‌اند. اما هیچ‌یک از آنان به صورت نظام‌مند از سه چارچوب مکمل کارکردگرایی، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی مذهبی برای تحلیل هیئت‌های مذهبی زنان استفاده نکرده‌اند. پژوهش حاضر در تلاش است تا این شکاف نظری و محتوایی را همزمان پر کند.

مبانی نظری

برای تحلیل جامعه‌شناختی کارکردهای هیئت‌های مذهبی زنان در یزد، این پژوهش از سه چارچوب نظری بهره می‌برد: کارکردگرایی برای شناسایی کارکردهای آشکار و پنهان هیئت‌ها، سرمایه اجتماعی برای تحلیل شبکه‌های اعتماد و همکاری، و جامعه مدنی مذهبی برای تحلیل جایگاه هیئت‌ها به عنوان نهادهای واسطه مستقل از دولت.

کارکردگرایی

کارکردگرایی یکی از تأثیرگذارترین رویکردها در جامعه‌شناسی دین است. امیل دورکیم، بنیانگذار این رویکرد، در کتاب «صورت‌های ابتدایی حیات دینی» استدلال می‌کند که کارکرد اصلی دین، ایجاد و حفظ همبستگی جمعی است. به باور دورکیم، مناسک دینی با گرد هم آوردن افراد و ایجاد هیجان جمعی، احساس تعلق به یک جامعه اخلاقی را تقویت می‌کنند (دورکیم، ۱۳۸۳). این همبستگی نه تنها افراد را به یکدیگر پیوند می‌زند، بلکه هنجارها و ارزش‌های مشترک را بازتولید می‌کند.

رابرت کی مرتن، نظریه‌پرداز نئوکارکردگرا، با اصلاح رویکرد دورکیمی، میان کارکردهای آشکار و کارکردهای پنهان تمایز قائل می‌شود. کارکردهای آشکار، آن دسته از پیامدهایی هستند که توسط کنشگران در نظر گرفته شده و قابل مشاهده‌اند. کارکردهای پنهان اما پیامدهایی هستند که نه در نظر گرفته شده‌اند و نه بلافاصله قابل مشاهده، اما تأثیرات عمیقی بر نظام اجتماعی دارند (ریتزر، ۱۳۹۳: ۱۴۷-۱۵۰). این تمایز برای تحلیل هیئت‌های مذهبی حیاتی است، زیرا بسیاری از کارکردهای اجتماعی هیئت‌ها (مانند مشاوره، توانمندسازی اقتصادی، یا شبکه‌سازی سیاسی) در زمره کارکردهای پنهان قرار می‌گیرند که عزاداران معمولاً به قصد آنها در هیئت شرکت نمی‌کنند، اما در عمل از آنها بهره‌مند می‌شوند.

بر اساس رویکرد کارکردگرایی، هیئت‌های مذهبی زنان در یزد دارای کارکردهای آشکار (مانند عزاداری، سوگواری، مولودی‌خوانی) و کارکردهای پنهان (مانند آموزش غیررسمی، حمایت روانی، شبکه‌سازی اقتصادی، و کنشگری سیاسی) هستند. این پژوهش عمدتاً بر شناسایی و تحلیل کارکردهای پنهان متمرکز است، زیرا این دسته از کارکردها کمتر در پژوهش‌های پیشین مورد توجه قرار گرفته‌اند. پرسش اصلی از منظر کارکردگرایی آن است که هر یک از این کارکردهای پنهان چه نقشی در ثبات، انسجام و بازتولید نظام اجتماعی ایفا می‌کنند.

سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی اگرچه ریشه در کارهای دورکیم درباره همبستگی جمعی و نقش واسطه‌گری انجمن‌های داوطلبانه دارد، اما توسط نظریه‌پردازانی چون پیر بوردیو و رابرت پاتنام به شکل امروزی توسعه یافته است. رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان «ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌توانند کارایی جامعه را با تسهیل کنش‌های هماهنگ افزایش دهند» تعریف می‌کند. بوردیو سرمایه اجتماعی را مجموعه منابع بالفعل یا بالقوه‌ای می‌داند که از داشتن شبکه پایدار روابط آشنایی و شناخت ناشی می‌شود. (افشانی و ستارزاده، ۱۴۰۲؛ طالبان، ۱۴۰۲)

پاتنام میان دو نوع سرمایه اجتماعی تمایز قائل می‌شود: سرمایه اجتماعی درون‌گروهی که به پیوندهای محکم و همبسته میان اعضای یک گروه (مانند خانواده، دوستان نزدیک، اعضای یک هیئت) اشاره دارد و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی که به پیوندهای ضعیف‌تر اما گسترده‌تر با افرادی خارج از گروه اطلاق می‌شود. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی به اعضا حمایت عاطفی و عملی می‌دهد، اما می‌تواند به انحصارگرایی و بی‌اعتمادی به بیرون منجر شود. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی اما به اتصال گروه‌های مختلف و ایجاد همبستگی اجتماعی گسترده‌تر کمک می‌کند (طالبان، ۱۴۰۲).

هیئت‌های مذهبی زنان در یزد بستر تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی هستند. زنان از طریق حضور منظم در هیئت، شبکه‌هایی از روابط مبتنی بر اعتماد و هنجارهای کمک متقابل ایجاد می‌کنند. این شبکه‌ها به آنان امکان می‌دهد تا به منابع مادی (کمک مالی، وام قرض‌الحسنه، جهیزیه) و غیرمادی (مشاوره، حمایت روانی، اطلاعات) دست یابند. در این پژوهش، سرمایه اجتماعی عمدتاً به عنوان چارچوبی برای تحلیل شبکه‌های همکاری، اعتماد و تبادل منابع میان اعضای هیئت به کار می‌رود. پرسش اصلی از منظر سرمایه

اجتماعی آن است که هیئت‌ها چه نوع شبکه‌هایی را ایجاد می‌کنند، این شبکه‌ها چگونه به منابع تبدیل می‌شوند، و چه نسبتی میان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی در فعالیت‌های هیئت‌ها وجود دارد.

جامعه مدنی مذهبی

جامعه مدنی به قلمروی از نهادهای داوطلبانه، مستقل و خودگردان گفته می‌شود که بین دولت و خانواده قرار دارند و شهروندان را برای تحقق منافع جمعی خود سازماندهی می‌کنند. با این حال، مفهوم جامعه مدنی در بافت جوامع دینی-سنتی مانند ایران نیازمند بومی‌سازی است. «جامعه مدنی مذهبی» مفهومی است که به مجموعه نهادهای داوطلبانه و خودگردان با ریشه‌های مذهبی اشاره دارد که مستقل از دولت عمل می‌کنند، اما در عین حال در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای دینی تعریف می‌شوند. هیئت‌های مذهبی، حسینی‌ها، کانون‌های خیریه مذهبی و تشکل‌های دینی زنانه را می‌توان مصادیق بارز جامعه مدنی مذهبی در ایران دانست (مشعلچی و مرشدی، ۱۴۰۰: ۲۱۴-۲۱۷). این نهادها برخلاف تصور رایج که جامعه مدنی را ذاتاً سکولار می‌داند، نشان می‌دهند که دین نه تنها مانعی برای جامعه مدنی نیست، بلکه می‌تواند بستر مناسبی برای شکل‌گیری و تقویت آن باشد.

هیئت‌های مذهبی زنان در یزد را می‌توان به مثابه نهادهای جامعه مدنی مذهبی تحلیل کرد. این هیئت‌ها مردمی، خودگردان و مستقل از دولت هستند؛ اعضا به صورت داوطلبانه در آنها مشارکت می‌کنند؛ کارکردهایی فراتر از مناسک محض (مانند خدمات اجتماعی، حمایت از نیازمندان، مشاوره و توانمندسازی) دارند؛ و در عین حال در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای دینی عمل می‌کنند. از منظر جامعه مدنی مذهبی، پرسش اصلی آن است که هیئت‌ها تا چه میزان توانسته‌اند به عنوان نهادهای واسطه میان دولت و خانواده عمل کنند و چه نسبتی بین استقلال آنان و تعامل با نهادهای حاکمیتی وجود دارد.

سه چارچوب نظری فوق به صورت مکمل در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. کارکردگرایی به پرسش «هیئت‌ها چه کارکردهایی دارند؟» پاسخ می‌دهد. سرمایه اجتماعی به پرسش «این کارکردها از چه مکانیسم‌هایی (شبکه‌ها، اعتماد، هنجارها) نشأت می‌گیرند؟» پاسخ می‌دهد. جامعه مدنی مذهبی به پرسش «جایگاه این هیئت‌ها در نظام سیاسی-اجتماعی ایران چیست؟» پاسخ می‌دهد. هیئت‌های مذهبی زنان در یزد به مثابه نهادهای جامعه مدنی مذهبی عمل می‌کنند که از طریق تولید سرمایه اجتماعی (شبکه‌های اعتماد و همکاری)، کارکردهای پنهان متعددی (آموزشی، خیریه، مشاوره، خدماتی، سیاسی) را برای اعضای

خود و جامعه محلی ایفا می‌کنند. این کارکردها هرچند در نگاه اول موازی با کارکرد آشکار عزاداری به نظر می‌رسند، در عمل به انسجام اجتماعی، توانمندسازی زنان و تقویت همبستگی جمعی منجر می‌شوند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت اکتشافی و عمیق موضوع، از رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی استفاده کرده است تا از طریق درک تجربه زیسته زنان، کارکردهای هیئت‌های مذهبی را از منظر خود آنان شناسایی کند. جامعه مورد مطالعه شامل زنان عضو و فعال (سرپرست، مداح، خادم و سایر نقش‌ها) در هیئت‌های مذهبی زنانه شهر یزد بود و نمونه پژوهش شامل ۳۲ نفر از این زنان بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند و با راهبرد حداکثر تنوع (از نظر سن، سابقه عضویت و نقش در هیئت) انتخاب شدند. فرآیند نمونه‌گیری تا مرحله اشباع داده ادامه یافت، به این معنا که مصاحبه‌های جدید اطلاعات تازه‌ای به یافته‌ها اضافه نمی‌کرد. معیارهای ورود به نمونه عبارت بود از: داشتن حداقل ۵ سال سابقه فعالیت مستمر در هیئت‌های مذهبی زنانه، ساکن بودن در شهر یزد و تمایل آگاهانه به مشارکت در پژوهش. مصاحبه‌شوندگان از محله‌های مختلف شهر یزد (از جمله مهدی‌آباد، صفائیه، کسنویه، فهادان، خیرآباد و) انتخاب شدند تا تنوع مکانی و فرهنگی در نمونه لحاظ شود؛ بازه سنی مشارکت‌کنندگان بین ۲۵ تا ۷۷ سال و سابقه فعالیت آنان در هیئت‌ها بین ۵ تا ۳۵ سال متغیر بود. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود و سوالات مصاحبه حول پنج محور اصلی طراحی شد: انگیزه‌ها و دلایل اولین حضور در هیئت مذهبی، فعالیت‌هایی که فرد در هیئت انجام می‌دهد، تغییراتی که حضور در هیئت در زندگی فرد ایجاد کرده است، چالش‌ها و مشکلات تجربه‌شده، و دیدگاه فرد نسبت به کارکردهای اجتماعی هیئت. مصاحبه‌ها در مکان‌های مورد انتخاب مشارکت‌کنندگان (بیشتر در مساجد و حسینیه‌ها) انجام شد و مدت هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. همه مصاحبه‌ها با اجازه قبلی مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به صورت کامل پیاده‌سازی شد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی در پنج مرحله تحلیل شد: آشنایی با داده‌ها، استخراج کدهای اولیه (بیش از ۲۴۳ کد)، سازماندهی کدها در زیرمضمون‌ها، استخراج مضامین اصلی (پنج مضمون)، و در نهایت تعریف و نام‌گذاری مضامین. فرآیند کدگذاری و تحلیل به صورت دستی و با استفاده از نرم‌افزار ورد و اکسل انجام شد. برای افزایش اعتبار یافته‌ها، از راهبردهای بازبینی توسط

مشارکت‌کنندگان (ارائه خلاصه یافته‌ها به ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان)، بررسی همتا (ارائه یافته‌ها به دو پژوهشگر دیگر) و ساختارمندی فرآیند تحلیل استفاده شد. رعایت اصول اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، محرمانگی اطلاعات، حق خروج از پژوهش و استفاده محدود از داده‌ها نیز از دیگر مؤلفه‌های مورد تأکید در این تحقیق بود. مصاحبه‌ها از اسفند ماه ۱۴۰۳ تا آبان ماه ۱۴۰۴ به‌طول انجامید. در ادامه، در جدول ۱ فهرست مشارکت‌کنندگان ارائه شده است.

جدول ۱: فهرست مشارکت‌کنندگان

نام مستعار	سن	سابقه فعالیت (سال)	نقش (مسئولیت)
زهرا	۴۵	۱۱	مدیر هیئت
فاطمه	۲۸	۷	عضو عادی
سکینه	۵۲	۱۴	خادم (مسئول جمع‌آوری کمک‌ها)
قدسیه	۶۷	۳۰	مشاور غیررسمی (مادر هیئت)
سمیه	۳۵	۱۰	عضو عادی (مدیر کارگاه خیاطی)
لیلا	۳۲	۸	عضو عادی
رقیه	۴۸	۱۷	مسئول صندوق قرض‌الحسنه
بتول	۷۷	۳۵	بانای و مؤسس هیئت
عصمت	۵۲	۱۵	مدیر هیئت
رباب	۷۲	۳۰	بانای قدیمی هیئت
نرگس	۴۲	۱۸	مداح
خدیجه	۵۵	۲۵	مسئول برگزاری سفرهای زیارتی
زینب	۲۵	۵	خادم
سارا	۲۷	۵	عضو جوان

مريضه	۳۸	۱۲	مسئول کلاس‌های آموزشی
معصومه	۴۸	۱۶	مدیر هیئت
مریم	۵۰	۱۴	خادم
حمیده	۴۲	۱۵	مسئول روابط عمومی هیئت
گلرخ	۳۸	۱۲	مسئول برگزاری جشن‌ها و مولودی‌خوانی
مهری	۵۵	۲۸	مسئول امور خیریه و تجهیزیه
پروین	۴۸	۲۲	مسئول توزیع نذورات
شهلا	۳۳	۸	عضو عادی
طاهره	۵۲	۲۵	مسئول کلاس‌های قرآن و احکام
سودابه	۴۴	۱۸	مسئول هماهنگی با سازمان تبلیغات
راضیه	۴۶	۲۰	مسئول امور فرهنگی-هنری
کلثوم	۵۸	۲۲	مشاور امور خانواده
شهربانو	۶۲	۳۵	بانی هیئت
فرشته	۵۳	۲۴	مسئول برگزاری کاروان‌های زیارتی
ماهرخ	۲۹	۸	مسئول بسیج
احترام	۴۰	۱۴	مسئول برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی
فروغ	۳۶	۱۰	مسئول فضای مجازی و گروه‌های آنلاین
فیروزه	۲۸	۶	عضو جوان

بر اساس تحلیل خطبه‌خط و بررسی دقیق متن مصاحبه‌های پژوهش، فرآیند مفهوم‌پردازی در چند مرحله انجام شد. ابتدا ۲۴۳ مفهوم اولیه از دل داده‌های خام استخراج گردید. در مرحله بعد، مفاهیم مشابه در ۶۷ مقوله فرعی دسته‌بندی شدند. در نهایت، طی فرآیند کدگذاری محوری و انتخابی، پنج مقوله اصلی (کارکردهای پنج‌گانه) از دل مقوله‌های فرعی پدیدار گشت، که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: مقوله‌های اصلی و مصادیق آنها

کارکردها	مصادیق
کارکرد فرهنگی-آموزشی	برگزاری کلاس‌های تابستانه قرآن و احکام برای فرزندان، آموزش خیاطی و صنایع دستی، برگزاری جشن‌های ولادت ائمه با برنامه‌های فرهنگی، کارگاه‌های سبک زندگی و مهارت‌های همسرداری، جلسات پرسش و پاسخ دینی.
کارکرد خیریه-حمایتی	کمک ماهانه به خانواده‌های بی‌بضاعت محله، خرید و اهدای جهیزیه، مشارکت در پویش‌های آزادی زندانیان غیرعمد، جمع‌آوری کمک برای سیل‌زدگان و زلزله‌زدگان، توزیع نذورات در ماه رمضان و ایام محرم.
کارکرد مشاوره-توانمندسازی	مشاوره درباره مسائل زناشویی و خانواده، کمک به حل اختلافات زن و شوهر، راهنمایی برای یافتن شغل و ایجاد کارگاه خانگی، معرفی دختران و پسران برای ازدواج، حمایت روانی از زنان درگیر بحران.
کارکرد اجتماعی-خدماتی-تفریحی	برگزاری سفرهای زیارتی مشهد و قم، پیک‌نیک‌ها و گردش‌های دسته‌جمعی، تشکیل صندوق قرض‌الحسنه و دادن وام بدون بهره، برگزاری مراسم جشن و شادی در اعیاد، دیدارهای دوستانه.
کارکرد سیاسی	شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن به صورت دسته‌جمعی، تشویق اعضا و خانواده به شرکت در

انتخابات، جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای جبهه در دوران جنگ، حضور در مراسم روز قدس، برگزاری مراسم ویژه مناسبت‌های ملی-مذهبی.
--

بر اساس تحلیل مصاحبه‌های عمیق با ۳۲ نفر از زنان فعال در هیئت‌های مذهبی شهر یزد که تا مرحله اشباع داده ادامه یافت، یافته‌ها در سه بخش ارائه می‌شود: نخست به عنوان زمینه، انگیزه‌های زنان برای حضور در هیئت توصیف می‌گردد؛ سپس مضمون اصلی پژوهش یعنی کارکردهای پنج‌گانه هیئت‌ها با تعریف کامل و نقل قول‌های مستقیم ارائه می‌شود؛ و در پایان نیز به عنوان بخش تکمیلی، الگوی تحول عاملیت زنان در طول زمان توصیف می‌گردد.

زمینه: انگیزه‌های حضور زنان در هیئت

شرکت‌کنندگان دلایل متفاوتی برای اولین بار آمدن به هیئت و ادامه حضور خود در آن بیان کردند. این انگیزه‌ها را می‌توان در چند دسته اصلی جای داد. برخی از زنان، آرامش روانی و کاهش استرس‌های زندگی را مهم‌ترین دلیل خود می‌دانستند و هیئت را فضایی برای تخلیه عواطف و کسب آرامش توصیف می‌کردند. برخی دیگر، بعد اجتماعی حضور را برجسته می‌کردند و از تنهایی و کمبود تعاملات اجتماعی به عنوان انگیزه اصلی خود یاد می‌کردند. گروهی دیگر نیز تربیت دینی فرزندان و الگوسازی برای نسل بعد را انگیزه خود می‌دانستند. آنچه در میان همه این انگیزه‌ها مشترک بود، تبدیل تدریجی حضور از یک انتخاب شخصی به یک نیاز و عادت همیشگی بود. تقریباً همه مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که بعد از مدتی، هیئت بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی‌شان شده است.

خانم زهرا، ۴۵ ساله با ۱۱ سال سابقه، که خودش مدیر یک هیئت است، در مورد جنبه فردی حضور بیان کرد: «زندگی که پر از مشکل است، آدم باید جایی باشد که دل‌داری بگیرد. هیئت برای من مثل یک پناهگاه است. هر استرسی دارم، می‌روم آنجا، با روضه که گریه می‌کنم، سبک می‌شوم». خانم فاطمه، ۲۸ ساله با ۷ سال سابقه، که نسل جدیدتر را نمایندگی می‌کند، به بعد اجتماعی حضور اشاره کرد و گفت: «من در خانه تنها بودم. شوهرم سر کار، بچه‌ها مدرسه. هیچ کس را نداشتم. توی هیئت خواهرها را دیدم، دوست پیدا کردم. الان هر هفته منتظر روز برگزاری هیئت هستم تا آنها را ببینم».

کارکردهای پنج گانه هیئت‌های مذهبی زنان در یزد

تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده نشان داد که هیئت‌های مذهبی زنان در یزد، فراتر از کارکرد عزاداری و سوگواری، دارای پنج کارکرد اصلی هستند که در قالب یک مضمون اصلی به نام «کارکردهای هیئت‌های مذهبی زنان» با پنج زیرمضمون ارائه می‌شود.

کارکرد فرهنگی-آموزشی

منظور از کارکرد فرهنگی-آموزشی، مجموعه فعالیت‌هایی است که هیئت‌های مذهبی زنان در جهت افزایش دانش دینی، آگاهی‌بخشی، آموزش مهارت‌های زندگی، توسعه توانمندی‌های هنری و فرهنگی و ارتقای سطح معرفتی اعضا انجام می‌دهند. این کارکرد فراتر از زمان برگزاری مراسم اصلی، شامل کلاس‌های آموزشی، کارگاه‌های مهارتی، جلسات سخنرانی، برنامه‌های مناسبتی (مانند جشن‌های اعیاد و مولودی‌خوانی) و فعالیت‌های هنری (مانند خیاطی، نقاشی، صنایع دستی) می‌شود. هیئت در این کارکرد، به یک کانون آموزشی غیررسمی تبدیل می‌شود که در آن زنان در کنار یادگیری مسائل دینی، مهارت‌های عملی زندگی را نیز فرا می‌گیرند.

خانم عصمت، ۵۲ ساله، با ۱۵ سال سابقه، مدیر یکی از هیئت‌های محله مهدی‌آباد، در این باره گفت: «ما فقط برای گریه و عزاداری دور هم جمع نمی‌شویم. برای بچه‌ها کلاس قرآن می‌گذاریم، برای خودمان کلاس خیاطی و احکام. حتی کارگاه مشاوره برای زن‌هایی که مشکل خانوادگی دارند. هیئت ما شده مثل یک خانه فرهنگ». خانم رباب، ۷۲ ساله، با ۳۰ سال سابقه، که یکی از بنیان‌گذاران قدیمی هیئت است، به تحول کارکردهای هیئت اشاره کرد و گفت: «قدیم که یادم می‌آید، هیئت فقط یک روضه بود و بس. اما حالا فرق کرده. الآن جشن ولادت می‌گیریم، مولودی می‌خوانیم، سوال و جواب دینی داریم. بچه‌ها هم با ذوق می‌آیند. هیئت جان تازه‌ای گرفته».

کارکرد خیریه-حمایتی

کارکرد خیریه-حمایتی به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که هیئت‌های مذهبی زنان برای کمک به نیازمندان، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، کاهش مشکلات مالی اعضا و مردم محله، و ایجاد شبکه‌های غیررسمی تأمین اجتماعی انجام می‌دهند. این کارکرد شامل فعالیت‌هایی مانند جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی، تهیه و توزیع بسته‌های معیشتی،

خرید جهیزیه برای زوج‌های جوان نیازمند، آزادسازی زندانیان جرائم غیرعمد، و کمک به آسیب‌دیدگان حوادث غیرمترقبه (مانند سیل و زلزله) می‌شود. هیئت در این کارکرد، نقش یک نهاد مردمی امدادرسان را ایفا می‌کند که معمولاً سریع‌تر و منعطف‌تر از نهادهای دولتی عمل می‌کند.

خانم سکینه، ۵۲ ساله، با ۱۴ سال سابقه، خادم هیئت محله صفائیه، که مسئول جمع‌آوری کمک‌ها است، گفت: «هر ماه یک صندوق می‌گذاریم. هر کس به اندازه توانش کمک می‌کند. آخر ماه می‌شود یک مبلغی. با آن برای چند خانواده بی‌بضاعت ارزاق می‌خریم. کسی خبر ندارد، ما فقط برای رضایت امام حسین (ع) انجام می‌دهیم». خانم سارا، ۲۷ ساله، با ۵ سال سابقه، یکی از اعضای فعال هیئت محله کسنویه، در مورد آزادی زندانیان گفت: «سال گذشته توی پویش آزادی زندانیان شرکت کردیم. هر کس توانست کمک کرد. با همت همه خواهرها توانستیم دو تا زندانی غیرعمد را آزاد کنیم. شب عید بود، خانواده‌شان خیلی خوشحال بودند. آن شادی را هیچ چیزی نمی‌دهد».

کارکرد مشاوره-توانمندسازی

تعریف: کارکرد مشاوره-توانمندسازی به نقشی اشاره دارد که هیئت‌های مذهبی زنان در حل مسائل شخصی، خانوادگی، روانی و اقتصادی اعضا ایفا می‌کنند. این کارکرد فراتر از کمک‌های مالی صرف است و شامل مشاوره غیررسمی (در زمینه‌هایی مانند مسائل زناشویی، تربیت فرزند، مشکلات روحی و روانی)، آموزش مهارت‌های زندگی، ارجاع به متخصصان، و کمک به ایجاد اشتغال و درآمدزایی برای زنان (کارآفرینی) می‌شود. هیئت در این کارکرد، به یک شبکه حمایتی چندلایه تبدیل می‌شود که در آن زنان مسن‌تر و باتجربه‌تر به زنان جوان‌تر مشاوره می‌دهند، تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارند، و در مواقع بحران به کمک یکدیگر می‌شتابند.

خانم قدسیه، ۶۷ ساله، با ۳۰ سال سابقه، که در هیئت به عنوان «مادر» شناخته می‌شود و بسیاری از اعضا برای مشاوره به او مراجعه می‌کنند، گفت: «خیلی از دخترهای جوان که تازه ازدواج کرده‌اند، بلد نیستند چطور با همسرشان رفتار کنند. می‌آیند پیش من. من هم از تجربیاتم برایشان می‌گویم. گاهی یک حرف ساده زندگی یک خانواده را نجات می‌دهد». خانم سمیه، ۳۵ ساله، با ۱۰ سال سابقه، که با کمک هیئت توانسته کارگاه خیاطی راه‌اندازی کند، گفت: «همیشه دوست داشتم کار خودم را داشته باشم. توی هیئت چند نفر از خواهرها

به من کمک کردند. یکی چرخ خیاطی داد، یکی پارچه، یکی مشتری معرفی کرد. الآن برای خودم کار می‌کنم و به دیگران هم کار می‌دهم. این برکت هیئت بود».

کارکرد اجتماعی-خدماتی-تفریحی

کارکرد اجتماعی-خدماتی-تفریحی شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که هیئت‌های مذهبی زنان برای ایجاد و تقویت روابط اجتماعی، پر کردن اوقات فراغت، برگزاری سفرهای زیارتی و تفریحی، و ارائه خدمات رفاهی و مالی خرد به اعضا انجام می‌دهند. این کارکرد به نیاز اساسی زنان برای تعلق داشتن به یک گروه، داشتن دوستان و همصحبت، و فرار از انزوای اجتماعی پاسخ می‌دهد. همچنین شامل خدماتی مانند تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه و ارائه وام‌های بدون بهره به اعضا برای رفع نیازهای مالی فوری یا شروع یک کسب‌وکار کوچک می‌شود.

خانم لیلا، ۳۲ ساله، با ۸ سال سابقه، که می‌گوید هیئت را جایگزین دوستان قبلی خود کرده، گفت: «قبلاً دوستانی داشتم که فقط به درد خوشگذرانی می‌خوردند. اما از وقتی به هیئت آمدم، خواهرهایی پیدا کردم که هم برای دنیایم مفیدند هم برای آخرتم. با هم می‌رویم سفرهای زیارتی، با هم گریه می‌کنیم، با هم خوشحال می‌شیم. این دوستی‌ها عمیق و ماندگار است». خانم رقیه، ۴۸ ساله، با ۱۷ سال سابقه، که از صندوق قرض‌الحسنه هیئت وام گرفته، گفت: «وقتی دامادمان خواست برای ازدواجش پول نداشتیم، رفتیم هیئت. بدون هیچ سودی وام گرفتیم. خیلی از این وام‌ها کارها را راه می‌اندازد. الان دیگر خیلی از خانواده‌های محله می‌دانند که اگر نیاز داشته باشند، می‌توانند روی کمک هیئت حساب کنند».

کارکرد سیاسی

کارکرد سیاسی به حضور و نقش‌آفرینی زنان در عرصه عمومی و مسائل ملی از طریق هیئت‌های مذهبی اشاره دارد. این کارکرد شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که هیئت‌ها را به کانون‌های بسیج اجتماعی و سیاسی تبدیل می‌کند، بدون اینکه کارکرد اصلی مذهبی خود را از دست بدهند. مصادیق این کارکرد عبارت است از: شرکت دسته‌جمعی اعضا در راهپیمایی‌های ملی-مذهبی (مانند ۲۲ بهمن و روز قدس)، حضور فعال در پای صندوق‌های رأی و تشویق دیگران به مشارکت انتخاباتی، حمایت از جبهه و جنگ در دوران دفاع مقدس (از طریق جمع‌آوری کمک‌ها و تهیه ملزومات رزمندگان)، و به طور کلی ابراز هویت جمعی در مناسبت‌هایی که وجه سیاسی-مذهبی دارند.

خانم بتول، ۷۷ ساله، با ۳۵ سال سابقه، که سال‌های جنگ را به یاد می‌آورد، گفت: «آن سال‌ها که جنگ بود، ما بیکار نشستیم. توی همین حسینه برای رزمندگان لباس می‌دوختیم، پتو و پول جمع می‌کردیم. بعضی‌ها بچه‌هایشان را فرستادند جبهه. آن روزها حسینه‌ها سنگر بود و ما پشت سنگر. اینها همه کار سیاسی و ملی بود». خانم مریم، ۵۰ ساله، با ۱۴ سال سابقه، که هر سال هیئت را به راهپیمایی‌های مختلف می‌برد، گفت: «هر سال توی راهپیمایی‌ها، ما با یک دسته زن و بچه می‌رویم. پرچم می‌بریم، شعار میدهیم، به مردم می‌گوییم ما هستیم و پای انقلابمان ایستاده‌ایم. این جزو برنامه ثابت هیئت ماست».

الگوی تحول عاملیت زنان در هیئت‌های یزد

سومین بخش یافته‌ها به تحول نقش و عاملیت زنان در هیئت‌های مذهبی یزد در طول زمان اختصاص دارد. منظور از «عاملیت» توانایی زنان برای کنشگری فعال، تصمیم‌گیری، تأثیرگذاری و ایفای نقش‌های مدیریتی در هیئت‌هاست، در مقابل موقعیت منفعل و تماشاگرگونه که در گذشته رایج بوده است. مشارکت‌کنندگان با سابقه بالا (بیش از ۲۰ سال) تغییرات قابل توجهی را در این زمینه گزارش کردند. این تحول در ابعاد مختلفی خود را نشان می‌دهد: از تغییر در نوع حضور (از حاشیه به متن)، تغییر در ساختار مدیریتی (از اداره توسط مردان به اداره توسط زنان)، تغییر در نگرش نسل جدید (از پذیرش بی‌چون و چرا به پرسشگری و نقد)، و تغییر در ابزارهای ارتباطی (از تعاملات صرفاً حضوری به استفاده از فضای مجازی برای هماهنگی و اقدام جمعی).

خانم خدیجه، ۵۵ ساله، با ۲۵ سال سابقه، که از کودکی در هیئت‌ها بوده است، این تحول را اینگونه توصیف کرد: «قدیم که یادم می‌آید، زن‌ها فقط می‌نشستند گوشه حسینه و گریه می‌کردند. کسی جرأت نداشت حرفی بزند یا کاری بکند. اما حالا فرق کرده. خودمان هیئت داریم، خودمان تصمیم می‌گیریم، خودمان کمک می‌کنیم. زن‌ها یاد گرفته‌اند که می‌توانند مؤثر باشند. این خیلی فرق کرده». خانم معصومه، ۴۸ ساله، با ۱۶ سال سابقه، مدیر یک هیئت، به تحول در مدیریت هیئت‌ها اشاره کرد و گفت: «قدیم برای برگزاری یک مراسم باید از روحانی محله یا آقایان اجازه می‌گرفتیم. اما الان خودمان می‌دانیم چه کنیم. برنامه می‌دهیم، بودجه می‌بندیم، تقسیم کار می‌کنیم. نشان داده‌ایم که بدون حضور آقایان هم می‌توانیم هیئت را اداره کنیم».

در ادامه، هر یک از پنج کارکرد شناسایی شده در یافته‌های پژوهش، از منظر سه چارچوب نظری (کارکردگرایی، سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی مذهبی) تفسیر و با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مقایسه می‌شود.

کارکرد فرهنگی-آموزشی

زنان در هیئت‌های یزد، این نهادها را فراتر از محل عزاداری، به عنوان کانون‌های آموزشی و فرهنگی توصیف کردند. کلاس‌های قرآن، خیاطی، احکام، جشن‌های مذهبی و کارگاه‌های مهارت‌های زندگی، از مصادیق این کارکرد بود.

از دیدگاه دورکیم، مناسک دینی کارکرد اصلی خود را در ایجاد «هیجان جمعی» و «همبستگی مکانیکی» نشان می‌دهند (دورکیم، ۱۳۸۳). اما یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هیئت‌های یزد فراتر از این کارکرد آشکار، کارکرد پنهان دیگری نیز دارند: آموزش و توانمندسازی فرهنگی. مرتن این نوع کارکردها را «کارکردهای پنهان» می‌نامد؛ پیامدهایی که نه در نظر گرفته شده‌اند اما به ثبات و انسجام نظام اجتماعی کمک می‌کنند. هیئت‌ها با ارائه آموزش‌های مهارتی و دینی، به بازتولید سرمایه فرهنگی و افزایش توانمندی‌های اعضا کمک می‌کنند. این کارکرد پنهان، به کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش تاب‌آوری خانواده‌ها در برابر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود (ریتزر، ۱۳۹۳: ۱۵۰-۱۴۷).

کارکرد فرهنگی-آموزشی هیئت‌ها را می‌توان بستری برای تولید «سرمایه انسانی» و «سرمایه فرهنگی» در چارچوب شبکه‌های اجتماعی دانست. بوردیو معتقد است سرمایه فرهنگی (دانش، مهارت‌ها، ذائقه‌های مشروع) از طریق خانواده و نهادهای آموزشی منتقل می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هیئت‌های مذهبی نیز به عنوان شبکه‌های غیررسمی، به انتقال سرمایه فرهنگی میان زنان کمک می‌کنند. زنانی که در کلاس‌های خیاطی یا قرآن هیئت شرکت می‌کنند، نه تنها مهارت جدیدی می‌آموزند، بلکه با دیگران شبکه‌سازی کرده و اعتماد متقابل را تقویت می‌کنند. این فرآیند، سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد و دسترسی به منابع دیگر را تسهیل می‌کند.

هیئت‌های مذهبی به عنوان نهادهای جامعه مدنی مذهبی، کارکردی فراتر از مناسک صرف دارند. ارائه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، هیئت‌ها را به مراکز چندمنظوره محلی تبدیل

کرده است که در غیاب یا ضعف نهادهای دولتی، نیازهای آموزشی و فراغتی جامعه را پاسخ می‌دهند. این موضوع نشان می‌دهد که نهادهای جامعه مدنی مذهبی در ایران، برخلاف تصور رایج که آنها را صرفاً به مناسک محدود می‌کند، توانایی پذیرش کارکردهای متنوع و پاسخگویی به نیازهای متکثر جامعه را دارند.

این یافته با پژوهش سلیمانی و امیرپور (۱۳۹۷) که «میل به رشد و پیشرفت» را یکی از انگیزه‌های اصلی زنان گزارش کرده بودند، همسو است. همچنین با پژوهش کرمی قهی و همکاران (۱۴۰۰) که «هویت‌یابی جنسیتی» را به عنوان مقوله اصلی شناسایی کرده بودند، قابل پیوند است؛ چرا که آموزش و یادگیری مهارت‌های جدید، بخشی از فرآیند هویت‌یابی زنان است. با این حال، پژوهش حاضر تأکید بیشتری بر جنبه «مهارتی و عملی» آموزش‌ها (مانند خیاطی و صنایع دستی) دارد و نشان می‌دهد که این کارکرد در یزد بسیار برجسته‌تر از تهران است. این تفاوت می‌تواند ناشی از بافت سنتی‌تر و نیازهای عینی‌تر زنان یزدی باشد.

کارکرد خیریه-حمایتی

زنان در هیئت‌های یزد، فعالیت‌های خیریه گسترده‌ای مانند کمک به نیازمندان، خرید جهیزیه، آژادسازی زندانیان غیر عمد و کمک به آسیب‌دیدگان حوادث غیرمترقبه را گزارش کردند. این کارکرد، پررنگ‌ترین کارکردی بود که تقریباً همه مشارکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند.

از دیدگاه کارکردگرایی، کارکرد خیریه-حمایتی هیئت‌ها را می‌توان در چارچوب «همبستگی ارگانیک» دورکیم تحلیل کرد. در جوامع مدرن، نهادهای واسطه (مانند هیئت‌ها) با ایجاد شبکه‌های همکاری و کمک متقابل، به انسجام اجتماعی و کاهش تضادهای طبقاتی کمک می‌کنند. این کارکرد به عنوان یک «کارکرد پنهان» عمل می‌کند: زنان به قصد عزاداری به هیئت می‌آیند، اما در عمل به شبکه‌ای از حمایت‌های متقابل دست می‌یابند که نیازهای مادی و معنوی آنان را پاسخ می‌دهد. مرتن این نوع کارکردها را «پیامدهای تأخیری» می‌نامد که ممکن است از چشم کنشگران پنهان بماند اما تأثیرات عمیقی بر نظام اجتماعی دارد.

کارکرد خیریه-حمایتی بارزترین مصداق تولید «سرمایه اجتماعی درون‌گروهی» است. پاتنام معتقد است شبکه‌های همبسته و مبتنی بر اعتماد، امکان کنش جمعی و تبادل منابع

را تسهیل می‌کنند (طالبان، ۱۴۰۲). در هیئت‌های یزد، اعضا از طریق مشارکت در فعالیت‌های خیریه، نه تنها به نیازمندان کمک می‌کنند، بلکه اعتماد متقابل، هنجارهای کمک‌رسانی و تعهدات جمعی را تقویت می‌کنند. این سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، به نوبه خود، انگیزه مشارکت در فعالیت‌های آینده را افزایش داده و چرخه تولید سرمایه اجتماعی را تداوم می‌بخشد. جالب آنکه برخی فعالیت‌های خیریه (مانند کمک به سیل‌زدگان سایر استان‌ها) را می‌توان مصداق «سرمایه اجتماعی برون‌گروهی» نیز دانست، زیرا شبکه همکاری فراتر از اعضای هیئت گسترش می‌یابد.

از منظر جامعه مدنی مذهبی، کارکرد خیریه-حمایتی هیئت‌ها را می‌توان به عنوان «خدمات اجتماعی غیردولتی» تحلیل کرد. در جوامعی که دولت قادر به پوشش کامل نیازهای رفاهی شهروندان نیست، نهادهای جامعه مدنی (از جمله نهادهای مذهبی) نقش تکمیل‌کننده یا حتی جایگزین ایفا می‌کنند. هیئت‌های یزد با ارائه خدمات خیریه گسترده، عملاً بخشی از مسئولیت‌های رفاه اجتماعی را بر عهده گرفته‌اند. این موضوع دو پیامد دارد: از یک سو، نشان‌دهنده ظرفیت بالای نهادهای مذهبی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه است؛ از سوی دیگر، ممکن است به تضعیف مطالبه‌گری برای خدمات دولتی منجر شود. این تناقض، یکی از چالش‌های نظریه جامعه مدنی در بافت ایران است.

پژوهش کاهیرده و دماوندی (۱۴۰۲) به نقش زنان در جمع‌آوری کمک‌های مردمی در دوران جنگ تحمیلی اشاره کرده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این کارکرد نه فقط در دوران جنگ، بلکه به صورت مستمر و روزمره در هیئت‌های یزد ادامه دارد. پژوهش سلیمانی و امیرپور (۱۳۹۷) به کارکرد خیریه به صورت مشخص اشاره نکرده و بیشتر بر کارکردهای فردی متمرکز بوده است. پژوهش حاضر از این جهت، دانش جدیدی به ادبیات موضوع اضافه می‌کند و نشان می‌دهد که کارکرد خیریه-حمایتی یکی از برجسته‌ترین و شاید مهم‌ترین کارکرد هیئت‌های زنانه در یزد است.

کارکرد مشاوره-توانمندسازی

زنان در هیئت‌های یزد، این نهادها را به عنوان مکانی برای حل مشکلات شخصی، خانوادگی و روانی خود توصیف کردند. مشاوره غیررسمی توسط زنان مسن‌تر، کمک به حل اختلافات زناشویی، راهنمایی برای یافتن شغل و ایجاد کارگاه خانگی، و حمایت روانی از زنان درگیر بحران، از مصادیق این کارکرد بود.

از منظر کارکردگرایی، کارکرد مشاوره-توانمندسازی هیئت‌ها را می‌توان به عنوان پاسخ به «نیازهای آنومی» تحلیل کرد. دورکیم در بحث «خودکشی آنومیک» نشان می‌دهد که در شرایط گسست هنجارها و بحران‌های اجتماعی، افراد نیاز به منابع حمایتی دارند که به بازسازی معنای زندگی و کاهش ناهنجاری کمک کند. هیئت‌های مذهبی با ارائه مشاوره و حمایت روانی، این نیاز را پاسخ می‌دهند. از دیدگاه مرتن، این کارکردها را می‌توان «کارکردهای آشکار» در نظر گرفت که توسط اعضا درک و مطالبه می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از زنان به صراحت می‌گویند برای حل مشکلاتشان به هیئت مراجعه می‌کنند، بنابراین این کارکرد از حالت پنهان خارج شده و به کارکردی آشکار تبدیل شده است (ریتزر، ۱۳۹۳: ۱۴۷-۱۵۰).

کارکرد مشاوره-توانمندسازی نقش کلیدی در ایجاد و تقویت «سرمایه روانی-اجتماعی» ایفا می‌کند. در چارچوب سرمایه اجتماعی، شبکه‌های مبتنی بر اعتماد نه تنها منابع مادی، بلکه منابع عاطفی و اطلاعاتی را نیز در دسترس اعضا قرار می‌دهند. زنان مسن‌تر و باتجربه‌تر در هیئت‌ها به عنوان «گره‌های کلیدی» در شبکه عمل می‌کنند که به دیگران مشاوره می‌دهند، تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارند، و در مواقع بحران حمایت عاطفی ارائه می‌دهند.

از منظر جامعه مدنی مذهبی، کارکرد مشاوره-توانمندسازی هیئت‌ها را می‌توان به عنوان «خدمات حمایتی غیررسمی» تحلیل کرد که در شکاف میان خدمات دولتی و خانواده قرار می‌گیرند. در ایران، بسیاری از زنان به دلایل فرهنگی یا اقتصادی به مشاوران حرفه‌ای دسترسی ندارند. هیئت‌های مذهبی با ارائه مشاوره غیررسمی و ارجاع به منابع دیگر، این شکاف را پر می‌کنند. این کارکرد نشان می‌دهد که نهادهای جامعه مدنی مذهبی نه تنها در حوزه خدمات مادی، بلکه در حوزه سلامت روان و توانمندسازی اجتماعی نیز نقش‌آفرین هستند. همچنین، کمک به ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای زنان (مانند کارگاه‌های خیاطی) نشان‌دهنده ظرفیت این نهادها برای ورود به حوزه اقتصاد و توانمندسازی اقتصادی است.

پژوهش سلیمانی و امیرپور (۱۳۹۷) به کارکردهای فردی مانند «کم شدن پرخاشگری و اضطراب» و «احساس آرامش درونی» اشاره کرده است که با کارکرد مشاوره-توانمندسازی پژوهش حاضر همسو است. با این حال، آن پژوهش بیشتر بر پیامدهای روانی حضور تأکید داشت، در حالی که پژوهش حاضر بر فرآیند مشاوره و نقش فعال زنان مسن‌تر به عنوان مشاور تأکید دارد. پژوهش کرمی قهی و همکاران (۱۴۰۰) به «تعارضات» در مجالس زنانه اشاره کرده، اما به کارکرد حل تعارض (از طریق مشاوره) نپرداخته است. پژوهش

حاضر از این جهت مکمل کار آنان است و نشان می‌دهد که هیئت‌ها نه تنها محل بروز تعارض، بلکه محل حل تعارض نیز هستند.

کارکرد اجتماعی-خدماتی-تفریحی

زنان در هیئت‌های یزد، این نهادها را به عنوان فضایی برای ایجاد روابط اجتماعی، گذران اوقات فراغت، برگزاری سفرهای زیارتی و تفریحی، و دریافت خدمات مالی (صندوق قرض‌الحسنه) توصیف کردند.

از منظر دورکیم، این کارکرد را می‌توان در چارچوب «مناسک مثبت» (در مقابل مناسک منفی که با اجتناب و پرهیز همراه است) تحلیل کرد. دورکیم معتقد است جشن‌ها و گردهمایی‌های شاد، همانند مراسم سوگواری، نقش مهمی در ایجاد همبستگی جمعی دارند (دورکیم، ۱۳۸۳). یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هیئت‌های یزد علاوه بر مراسم عزاداری، جشن‌های اعیاد، سفرهای زیارتی و تفریحی و گردهمایی‌های دوستانه را نیز سازماندهی می‌کنند. این فعالیت‌ها کارکرد «بازسازی جمعی» را ایفا می‌کنند؛ یعنی به زنان انرژی و انگیزه تازه‌ای برای ادامه زندگی و مشارکت اجتماعی می‌دهند. کارکرد صندوق قرض‌الحسنه را نیز می‌توان به عنوان یک کارکرد پنهان اقتصادی تحلیل کرد که به کاهش فقر و افزایش تاب‌آوری اقتصادی خانواده‌ها کمک می‌کند.

این کارکرد نقش کلیدی در ایجاد «شبکه‌های اجتماعی گسترده» دارد. پاتنام معتقد است شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و روابط افقی میان شهروندان، سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد (طالبان، ۱۴۰۲). سفرهای زیارتی و تفریحی هیئت‌ها، فرصتی برای تعمیق روابط و ایجاد دوستی‌های پایدار فراهم می‌آورد. صندوق قرض‌الحسنه نیز یک نهاد مالی مبتنی بر اعتماد اجتماعی است. در جامعهای که دسترسی به منابع مالی رسمی (مانند بانک‌ها) برای بسیاری از زنان محدود است، این صندوق‌ها با تکیه بر اعتماد متقابل و نظارت همتا، منابع مالی را در دسترس اعضا قرار می‌دهند. این یک نمونه کلاسیک از «سرمایه اجتماعی به مثابه منبع» است: شبکه روابط (عضو بودن در هیئت) به منبع مستقیم اقتصادی (دریافت وام) تبدیل می‌شود.

از منظر جامعه مدنی مذهبی، هیئت‌ها با ارائه خدمات مالی (صندوق قرض‌الحسنه) و تسهیل تعاملات اجتماعی، به عنوان «شبکه‌های ایمنی محلی» عمل می‌کنند. در غیاب یا ضعف

نهادهای مالی رسمی، این صندوق‌ها نقش حیاتی در تأمین مالی خرد و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک زنان ایفا می‌کنند. این موضوع نشان می‌دهد که نهادهای جامعه مدنی مذهبی می‌توانند در حوزه اقتصاد و رفاه اجتماعی نیز کارکردهای مؤثری داشته باشند. همچنین، سفرهای زیارتی و تفریحی سازماندهی شده توسط هیئت‌ها، نمونه‌ای از «خدمات فراغتی غیردولتی» است که توسط نهادهای جامعه مدنی به شهروندان ارائه می‌شود.

پژوهش سلیمانی و امیرپور (۱۳۹۷) به «گذران اوقات فراغت» به عنوان یکی از انگیزه‌های اصلی زنان اشاره کرده است که با یافته پژوهش حاضر کاملاً همسو است. پژوهش صبوریان و وطن‌دوست واله (۱۴۰۳) نشان داد که نسل دهه ۷۰ بر «برقراری روابط اجتماعی و شور جمعی» تأکید دارد و نسل دهه ۸۰ «شورم‌محور» است. این یافته با کارکرد اجتماعی-تفریحی پژوهش حاضر همسو است و نشان می‌دهد که نسل‌های جوان‌تر به جنبه اجتماعی و شورانگیز هیئت‌ها بیش از نسل‌های قدیمی‌تر توجه دارند. کارکرد صندوق قرض‌الحسنه در هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین دیده نشده است و این یافته، نوآوری مهم پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

کارکرد سیاسی

زنان در هیئت‌های یزد، مشارکت در راهپیمایی‌ها، حضور در انتخابات، حمایت از جبهه در دوران دفاع مقدس، و ابراز هویت جمعی در مناسبت‌های ملی-مذهبی را گزارش کردند. این کارکرد نشان می‌دهد که هیئت‌ها صرفاً نهاد عبادی نیستند، بلکه کانون‌های بسیج سیاسی-اجتماعی نیز هستند.

از منظر کارکردگرایی، کارکرد سیاسی هیئت‌ها را می‌توان به عنوان «بازتولید ارزش‌های جمعی» تحلیل کرد. دورکیم معتقد است مناسک دینی نه تنها همبستگی درونی، بلکه همبستگی با جامعه بزرگ‌تر و ارزش‌های حاکم بر آن را نیز تقویت می‌کنند (دورکیم، ۱۳۸۳). در یافته‌های پژوهش حاضر، شرکت هیئت‌ها در راهپیمایی ۲۲ بهمن و حمایت از جبهه در دوران جنگ، مصادیقی از این پیوند میان مناسک دینی و مناسک ملی-سیاسی هستند. از دیدگاه مرتن، این کارکرد را می‌توان «کارکردهای آشکار» در نظر گرفت (زیرا زنان هدف سیاسی حضور را نیز درک می‌کنند)، اما در عین حال این کارکردها به «انسجام سیاسی» جامعه نیز کمک می‌کنند که یک کارکرد پنهان در سطح کلان است.

کارکرد سیاسی را می‌توان در چارچوب «بسیج سیاسی مبتنی بر شبکه» تحلیل کرد. پاتنام نشان می‌دهد که نهادهای جامعه مدنی (مانند باشگاه‌ها، انجمن‌های داوطلبانه، گروه‌های مذهبی) به عنوان «مدارس دموکراسی» عمل می‌کنند و مهارت‌های مدنی و مشارکت سیاسی را به شهروندان آموزش می‌دهند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هیئت‌های یزد نقش مشابهی دارند. زنان در هیئت یاد می‌گیرند که چگونه به صورت جمعی تصمیم بگیرند، چگونه منابع را بسیج کنند، و چگونه صدای خود را به عرصه عمومی برسانند. این مهارت‌ها به مشارکت سیاسی آنان (مانند حضور در انتخابات و راهپیمایی‌ها) تبدیل می‌شود. شبکه‌های اعتماد ایجادشده در هیئت، هزینه بسیج سیاسی را کاهش داده و اثربخشی کنش جمعی را افزایش می‌دهد.

این کارکرد شاید بیشترین ارتباط را با مفهوم جامعه مدنی مذهبی داشته باشد. در نظریه جامعه مدنی، نهادهای واسطه مستقل از دولت نقش حیاتی در ایجاد «فضای عمومی» و تقویت «شهروندی فعال» ایفا می‌کنند (مشعلچی و مرشدی، ۱۴۰۰: ۲۱۴-۲۱۷). یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هیئت‌های مذهبی زنان در یزد، علیرغم چارچوب دینی خود، به عنوان نهادهای جامعه مدنی عمل می‌کنند: آنها مستقل از دولت هستند (اگرچه با آن تعامل دارند)، اعضا به صورت داوطلبانه در آنها مشارکت می‌کنند، و کارکردهای سیاسی-اجتماعی ایفا می‌کنند. با این حال، تفاوت مهمی با نظریه کلاسیک جامعه مدنی وجود دارد: در غرب، نهادهای جامعه مدنی معمولاً در تقابل با دولت تعریف می‌شوند، اما در ایران (حداقل بر اساس یافته‌های این پژوهش)، هیئت‌ها بیشتر در هماهنگی با ارزش‌ها و سیاست‌های نظام عمل می‌کنند، نه در تقابل با آن. این موضوع نشان می‌دهد که مفهوم جامعه مدنی در بافت ایران نیازمند بازتعریف بومی است.

پژوهش کاهیرده و دماوندی (۱۴۰۲) به طور مفصل به نقش سیاسی زنان در هیئت‌ها از انقلاب تاکنون پرداخته است. آنان نشان دادند که در سال‌های منتهی به انقلاب، زنان به صورت غیرمستقیم در فعالیتهای سیاسی مشارکت داشتند، اما با شدت یافتن انقلاب و به‌ویژه در دوران جنگ، عاملیت قدرتمند زنان ظهور کرد. یافته‌های پژوهش حاضر در یزد، این تحولات را تأیید می‌کند. زنان مسن‌تر یزدی نیز از نقش خود در سال‌های جنگ و تغییرات پس از آن صحبت کردند. پژوهش سلیمانی و امیرپور (۱۳۹۷) به کارکرد سیاسی هیئت‌ها اشاره نکرده است. پژوهش کرمی قهی و همکاران (۱۴۰۰) نیز به کارکرد سیاسی اشاره نکرده و بیشتر بر ابعاد هویتی-فردی متمرکز بوده است. پژوهش حاضر از این جهت،

دانش جدیدی به ادبیات موضوع اضافه می‌کند و نشان می‌دهد که در یزد (با توجه به سابقه انقلابی و مذهبی استان)، کارکرد سیاسی هیئت‌ها بسیار برجسته است

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل کارکردهای اجتماعی هیئت‌های مذهبی زنان در استان یزد انجام شد. پاسخ به سؤال اصلی پژوهش آن است که زنان در هیئت‌های مذهبی یزد، پنج کارکرد اصلی را تجربه می‌کنند: فرهنگی-آموزشی، خیریه-حمایتی، مشاوره-توانمندسازی، اجتماعی-خدماتی-تفریحی و سیاسی.

از منظر کارکردگرایی، این کارکردها عمدتاً در زمره «کارکردهای پنهان» هیئت‌ها قرار می‌گیرند؛ زنان عمدتاً به قصد عزاداری و سوگواری در هیئت شرکت می‌کنند، اما در عمل از شبکه‌های حمایتی، آموزشی، مشاوره‌ای و سیاسی بهره‌مند می‌شوند. از منظر سرمایه اجتماعی، هیئت‌های یزد بستر تولید سرمایه اجتماعی درون‌گروهی هستند؛ شبکه‌های اعتماد و هنجارهای کمک متقابل میان اعضا، به منابع مادی (کمک مالی، وام قرض‌الحسنه، جهیزیه) و غیرمادی (مشاوره، حمایت روانی، اطلاعات) تبدیل می‌شود. از منظر جامعه مدنی مذهبی، هیئت‌های مذهبی زنان در یزد به عنوان نهادهای واسطه مستقل از دولت عمل می‌کنند که کارکردهایی فراتر از مناسک صرف دارند و در شکاف میان خدمات دولتی و خانواده، نیازهای متنوع زنان را پاسخ می‌دهند.

از نظر نظری، این پژوهش نشان داد که چارچوب ترکیبی کارکردگرایی، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی مذهبی ظرفیت بالایی برای تحلیل پدیده‌های دینی در بافت ایران دارد. از نظر عملی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران فرهنگی در شناخت دقیق‌تر کارکردهای هیئت‌های زنانه و حمایت هدفمندتر از این تشکلهای مردمی کمک کند.

پیشنهادهای پژوهش

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

پیشنهادهای کاربردی

۱. با توجه به کارکردهای چندگانه و مؤثر هیئت‌های مذهبی زنان، سازمان تبلیغات اسلامی و دیگر نهادهای فرهنگی مرتبط، حمایت‌های خود را از این تشکلهای افزایش دهند؛

حمایت‌هایی مانند تأمین فضای مناسب، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران هیئت‌ها و تسهیل در دسترسی به منابع مالی.

۲. با توجه به کارکرد مشاوره-توانمندسازی هیئت‌ها، پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزش مهارت‌های مشاوره و روانشناسی برای زنان باتجربه و مدیر هیئت‌ها برگزار شود تا کیفیت خدمات مشاوره‌ای غیررسمی آنان افزایش یابد.

۳. با توجه به کارکرد کارآفرینی و اشتغالزایی برخی هیئت‌ها (مانند کارگاه‌های خیاطی)، پیشنهاد می‌شود نهادهایی مانند کمیته امداد و بهزیستی، تسهیلات ویژه‌ای برای هیئت‌هایی که در حوزه اشتغالزایی برای زنان فعالیت می‌کنند، در نظر بگیرند.

۴. با توجه به تفاوت انگیزه‌های نسل‌های مختلف، پیشنهاد می‌شود هیئت‌ها برنامه‌های متنوع و متناسب با نیازهای نسل جوان (مانند جلسات پرسش و پاسخ، استفاده از مداحان جوان، برنامه‌های فرهنگی-هنری) طراحی کنند تا بتوانند نسل جدید را نیز جذب و حفظ کنند.

۵. با توجه به کارکرد سیاسی هیئت‌ها و نقش آنان در بسیج اجتماعی، پیشنهاد می‌شود نهادهای مسئول از ظرفیت این تشکل‌ها برای افزایش مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان (مانند حضور در انتخابات و راهپیمایی‌ها) بهره ببرند.

پیشنهادهای پژوهشی

۱. انجام پژوهش تطبیقی میان هیئت‌های مذهبی زنان در شهرهای مختلف ایران (یزد، تهران، مشهد، اصفهان، شیراز) برای شناسایی تأثیر بافت فرهنگی-محلی بر کارکردها و ساختار هیئت‌ها.

۲. انجام پژوهش کمی در مقیاس وسیع‌تر برای سنجش میزان شیوع هر یک از پنج کارکرد شناسایی‌شده در این پژوهش و رابطه آن با متغیرهایی مانند سن، تحصیلات، پایگاه اقتصادی-اجتماعی.

۳. انجام پژوهش در مورد «تعارضات» در هیئت‌های مذهبی زنان (بر خلاف پژوهش حاضر که بیشتر بر همسویی و همدلی تأکید داشت) برای شناسایی نقاط تنش و ارائه راهکارهای مدیریت تعارض.

۴. انجام پژوهش در مورد تأثیر فضای مجازی بر کارکردهای هیئت‌های مذهبی زنان، با توجه به اینکه در یافته‌های حاضر، چندین مشارکت‌کننده به نقش گروه‌های مجازی در هماهنگی فعالیت‌ها اشاره کردند.

۵. انجام پژوهش در مورد نقش هیئت‌های مذهبی زنان در تاب‌آوری جامعه در برابر بحران‌هایی مانند سیل، زلزله، و کرونا، با توجه به کارکرد خیریه-حمایتی برجسته‌ای که در این پژوهش شناسایی شد.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر، مانند هر پژوهش دیگری، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است: حجم نمونه (۳۲ نفر) اگرچه برای یک پژوهش کیفی و تا مرحله اشباع داده مناسب است، اما امکان تعمیم آماری یافته‌ها به کل جامعه زنان یزد را نمی‌دهد. یافته‌های این پژوهش بیشتر از نوع درک عمیق و کشف الگو است تا تعمیم آماری. تمرکز پژوهش بر شهر یزد، اگرچه از نقاط قوت آن است (بومی بودن)، اما امکان تعمیم یافته‌ها به سایر شهرهای ایران را محدود می‌کند. همان‌طور که در بحث اشاره شد، بافت فرهنگی-مذهبی هر شهر می‌تواند بر کارکردهای هیئت‌ها تأثیر بگذارد.

- ابراهیم فیاض، عباس وریج کاظمی، مژگان دستوری، (۱۳۸۹). گونه شناسی هیئت های مذهبی زنانه در تهران، نشریه مطالعات جامعه شناختی، ۱۷(۳۶)، ۱۷۹.
- ابوالفضل مرشدی، مسعود حاجی زاده میمندی، مرتضی مشعلچی، (۱۴۰۰). گونه شناسی هیئت های مذهبی معاصر در شهر یزد، نشریه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۳(۳)، ۱۳۱-۱۵۵.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی. ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: انتشارات علمی.
- سید علیرضا افشانی، ضیاءالدین ستارزاده، (۱۴۰۲). رابطه سرمایه اجتماعی و فرهنگی با مسئولیت پذیری زیست محیطی، مجله جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۱۰(۲۲)، ۷-۲۹.
- صبوریان، محسن و وطن دوست واله، مطهره، ۱۴۰۳، تحلیل تطبیقی ادراک و انگیزه بانوان نسلهای مختلف از حضور در هیئات؛ مطالعه موردی بانوان شرکت کننده در هیات از دهه ۳۰ تا ۸۰، دومین همایش ملی هیات و آیین های مذهبی، تهران.
- محسنی، منوچهر. ۱۳۸۲. رفتارهای فرهنگی ایرانیان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محمدتقی کرمی قهی، عطیه خاکسار فرد، وحید شالچی، نهال نفیسی، (۱۴۰۰). تعارضات و همسویی ها در ساخت مجالس مذهبی زنانه شهر تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۲۳(۹۲)، ۱۳۱-۱۰۹.
- محمدرضا طالبان، (۱۴۰۲). بررسی تجربی ارتباط بین دین و سرمایه اجتماعی در ایران، نشریه مسائل اجتماعی ایران، ۱۴(۱)، ۱۹۱-۲۰۹.
- مرتضی مشعلچی، ابوالفضل مرشدی، (۱۴۰۰). بررسی نقش هیئت های مذهبی در تقویت جامعه مدنی (مطالعه موردی: بررسی دیدگاه فعالان هیئت های مذهبی شهر یزد)، نشریه علوم اجتماعی، ۲۸(۳)، ۲۰۹-۲۳۸.
- مژگان دستوری. ۱۳۸۹. بررسی دگرگونی هیات های مذهبی زنانه: هیات های سنتی و نوین. مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان ۱. ۷۱-۰.

مستانه سلیمانی، مهناز امیرپور. ۱۳۹۷. بررسی رویکرد جامعه شناختی تاثیر شرکت زنان در هیات های مذهبی بر سبک زندگی آنها. همایش ملی آسیب های اجتماعی و روانشناختی نسیم کاهیرده، عفت دماوندی. ۱۴۰۲. نگاهی جامعه شناختی به تحولات پیرامون عاملیت زنان در هیات های مذهبی از آستانه انقلاب-اسلامی تاکنون. اولین همایش علمی هیات و آیین های مذهبی